انترناسیونال 811

محسن ابراهمیمی

**هیچ چیز این سیل طبیعی نیست!**

**حکومت اسلامی مجرم است!**

گذشته و امروز و آینده میلیونها انسان بسرعت زیر سیلی ویرانگر غرق میشود. انسانهای زیادی جان باخته اند و دیگر در میان ما نیستند. خیلیها جانشان را از دست نداده اند، اما کار و شغل و خانه و مغازه و زمین و زراعت و محصول و حاصل یک عمرشان را تماما از دست داده اند. یعنی آنها هم که زنده مانده اند زندگی از دست داده اند. نه تنها این بلکه کوچکترین امیدی ندارند که زیر سلطه آیت الله های سرمایه دار چیزی بدست بیاورند!

این یک تراژدی بزرگ انسانی است که هیچ چیزش طبیعی نیست. این تراژدی انسانی محصول مستقیم چهل سال تعرض به و چپاول منابع طبیعی توسط میلیاردرهای اسلامی حاکم است.

**سران حکومت نمک بر زخمها میپاشند!**

از یکطرف سیل ویران میکند، جان میگیرد و غم و رنجی غیرقابل تصور بر جسم و روح و روان مردم تحمیل میکند و از طرف دیگر در ویرانکده ای که سیل برجای گذاشته است، فرومایگان حکومتی، قسی القلبهای خالی از ذره ای انسانیت به نام ولی فقیه و رئیس جمهور و وزیر و وکیل میچرخند و چشم در چشمان حیرت زده و غمبار مردمی شوک زده میدوزند و نمک برزخمهای باز آن مردم میپاشند.

ولی فقیه میگوید: "حوادثی که ظاهر بلا دارد اگر چه باطنش ممکنه نعمت و عطای الهی است."!

رئیس جمهور میگوید: "اصل باران خداوند نعمت است و با اینکه برای همه ما سختی و مشکلاتی را ایجاد کرده است اما خداوند جبران خواهد کرد."!

یکی از مقامات "وزرات کشور و مدیریت بحران" در باره مشاهداتش از سفر به سه استان و دستاوردهای سیل چنین گزارش میدهد: "... حتی مردمی که آسیب دیده بودند از این قضیه اظهار خوشحالی میکردند. اصلا به نظر میرسید که خدا وکیلی .. درختها کاملا شسته شده بودند. یک طراوت دیگری گرفته بود. همه رودها آب جاری بود ..."!

"ظاهر بلا"؟ باطن نعمت"؟ "عطای الهی"؟ "نعمت خدا"؟ "جبران خداوند"؟ "خوشحالی مردم"؟ "طراوت درختان"؟ "آبهای جاری در رودها"؟ و "خوشحالی مردم"؟!

شما ادبیاتی را سراغ دارید که بتواند درجه وقاحت و پستی و فرومایگی مستتر در این کلمات در چنین روزهای سخت را آنچنان که سزاوار است بیان کند؟ من که سراغ ندارم. اما باید این اظهارات این مقامات را قاب لجن گرفت و در آینده در موزه جنایتها و رذالتهای حکومت اسلامی به معرض تماشا گذاشت.

**مساله مدیریت بحران و بی کفاتی نیست!**

این زیادی لوکس است وقتی میگویند این وضعیت محصول بی کفایتی مسئولان است. محصول "بحران مدیریت" یا "مدیریت بحران" است.

مگر این حکومت اصلا مدیریت بحران دارد که آن هم بحران مدیریت داشته باشد. نکند دارند از "سازمان مدیریت بحران" حرف میزنند که اگر بودجه اش را با بودجه های کلان فقط بخشی از "خدمات اسلامی" حکومت مقایسه کنید عمق فاجعه برملا میشود.

بودجه "مرکز خدمات حوزه های علمیه" (مرکز تولید و پروار کردن عمله و اکره اسلامی) 85 برابر، بودجه "مرکز نشر آثار امام خمینی" (خزعبلاتی در باره غسل و طهارت و مقررات ورود به و خروج از مستراح) سه برابر، و بودجه "جامعه المطصفی العالمیه" (نهاد پروش آخوند و نشر خرافه و تربیت تروریست اسلامی در جهان) 16 برابر بودجه این "سازمان مدیریت بحران" کذایی است.

تازه همین بودجه هم صرف مدیریت هیچ بحرانی از جمله سیل و زلزله نمیشود. به شیوه هایی که سران حکومت دیگر در آن استاد شده اند بین آقازاده هایشان تقسیم میشود. فقط برای یک نمونه: مدتی پیش رئیس همین سازمان کذایی "مدیریت بحران" از امضای تفاهمنامه با حوزه علمیه برای به کارگیری معنویت جهت کاهش بلایای طبیعی خبر داد!

نه خیر مساله بی کفایتی نیست. سران حکومت اسلامی اتفاقا خیلی "باکفایت و مدیر و مدبر و عاقل" هستند. اما مدیر و مدبر وعاقل و با کفایت در سرکیسه کردن و خانه خراب کردن مردم و چپاول ثروت یک جامعه بزرگ 85 میلیونی و یک کشور عظیم با ثروتهای طبیعی و نه مدیریت بحرانهای طبیعی و هر امری که مربوط به آسایش و رفاه مردم است.

**قتل عام طبیعت بدست یک حکومت!**

**هیچ چیز این سیل طبیعی نیست**

مدتهاست بحث سوختهای فسیلی، گازهای گلخانه ای، گرمایش زمین و تغییرات جوی با نتایج هولناکشان در آینده مورد بحث محافل علمی است. اما میدانیم که جهان سرمایه داری از جمله یکی از مخربترین نمایندگانش در منطقه یعنی جمهوری اسلامی نه تنها ذره ای در فکر نجات بشریت از عواقب این دست درازی به محیط زیست انسانها نیستند، بلکه برعکس این جیبهای گشادشان است که در مقابل خانه خراب شدن میلونها انسان حرف اول را میزند.

تا آنجا که به سیل ویرانگر اخیر در ایران مربوط است مساله ابدا یک حادثه ویرانگر طبیعی نیست. باران و رودخانه و آب و سیل حتما طبیعی و از طبیعت هستند اما همه شواهد به وضوح نشان میدهند که این دست ویرانگر یک حکومت است که در قالب سیل ویرانگر به جان و زندگی مردم حمله برده است.

امروز کوهی از تحقیقات و گزارشها و پیشی بینی ها و هشدارها توسط صاحبنظران و متخصصین در مورد اقدامات ویرانگر حکومت اسلامی علیه طبیعت در دسترس همه هست. کافی است به همین اسناد مراجعه کنید تا ببینید که هم ابعاد این سیل وهم ابعاد ویرانیش تماما مربوط به ویران کردن قبلی همین طبیعت توسط همین حکومت است.

این دیگر به دانش عمومی تبدیل شده است که همه زیرساختهای طبیعی که میتوانست مانع این ابعاد دهشتناک ویرانگری سیل شود قبلا توسط میلیاردردهای حاکم در ایران تخریب شده اند. معلوم شده است که جنگل خواری، کوه خواری، زمین خواری، مرتع خواری، دریا و دریاچه و رودخانه و خاک خواری و همچنین سدخواری حکومت و آیت الله هایش قبلا سیل بندهای طبیعی از جمله مراتع و جنگلها را ویران کرده است. معلوم شده است که نه فقط ویرانگری سیل بلکه خود سیل – دقت کنید خود سیل – هم مستقیما به اقدامات همین همه چیزخواران مربوط است که چهل سال است علاوه بر قتل عام مردم طبیعت را هم قتل عام کرده اند.

نقش حکومت و مقاماتش در تخریب طبیعت و زمینه سازی چنین سیل ویرانگر آنچنان عیان است که حتی خود حکومتیها هم ناگزیر شده اند به آن اعتراف کنند. به سخنان نماینده گنبد کاووس در مجلس اسلامی خوب دقت کنید:

"جنگل‌ها را غارت کردیم، کوه‌خواری و جنگل‌خواری کردیم و در مسیر رودخانه خانه ساختیم. شهرداری‌ها حریم فروختند و این پول خون کودک و زنی بود که قرار بود در آینده سیل آنها را ببرد. ... آقای رییس جمهور و نمایندگان مجلس! همه متهم هستیم. اگر به خود نیاییم سیل ما را هم خواهد برد."

بله، اگر سیل طبیعت که شما مسئول مستقیمش هستید جان و خانه و زندگی مردم را برده است، سیل عصیان مردم شما را خواهد برد. همه شما را. در این شکی نیست.

**سه کیس بسیار نمونه وار!**

**1- آق قلا در استان گلستان!**

شهر آق قلا زیر آب رفت به همان دلایلی که بالاتر اشاره کردیم. اما شهر آق قلا به دلیل "ساده" دیگری هم زیر آب رفت. ریل خط آهن طولانی ای که قبلا سپاه ساخته بود و تا سه متر ارتفاع داشت و از قبلش کرور کرور پول در میارود، مانع عبور آب به دشتهای وسیع و جذب شدنش بر زمینهای این دشت شد.

تازه وقتی شهر زیر آب میرفت و مردم دست به کار شدند تا با دست خالی آبراهی باز کنند، حکومتیها به جای اینکه امکانات بولدزر و بیل مکانیکی در اختیار مردم قرار دهند، همه رقم در مقابل مردم مانع درست کرند. استاندار که در مسافرت تفریحی در خارج از کشور بود. فرماندار هم جرئت نکرد اجازه دهد مردم به پروژه "سپاه عزیز" دست درازی کند. و بالاخره زندگی هزاران انسان زیر آب رفت و مردم خانه خراب شدند و البته بعدا سپاه آمد نمایش انفجار راه انداخت که بالای سر مردمی در حال غرق قدرتنمایی هم بکند!

**2- جنگلهای گرگان و آیت الله جنگل خوار!**

مدتها بود که در ورودی بخشهایی از جنگلهای گرگان، تابلویی توجه مردم حیرت زده را جلب میکرد که به دستور آیت الله نور مفیدی نصب شده بود. این تابلو به مردم منطقه اطلاع میداد که "کلیه عواید حاصل از درختانی که میبریم هزینه حوزه علمیه گرگان میشود". این آیت الله کیست؟ امام جمعه (اصلاح طلب!) گرگان و نماینده ولی فقیه در استان گلستان. کسی که در گرگان به آیت الله جنگل خوار مشهور است و با دهها نهاد و ارگان به نام آقازاده های بیت خودش و به نام "هزینه حوزه علمیه" ثروتهای نجومی میان خانواده جابجا میکند.

بعد از اعتراض مردم منطقه به این یورش به جنگلها و در نتیجه باندبازیهای درون حکومتی لایحه ای تحت نام "تنفس جنگلها" به مجلس اسلامی برده شد. اما زور این آیت الله جنگل خوار چربید و این لایحه نه تنها منجر به تنفس هیچ جنگلی نشد بلکه نفس خودش هم در همان مجلس اسلامی حبس شد.

سالها پیش، احمدی نژاد، رئیس جمهور مورد اعتماد خامنه ای به جنگلهای زیبای "ناهار خوران" در گرگان یورش برد. مجوز قطع درختان این بخش جنگل را صادر کرد تا به جایش "موزه دفاع مقدس" بسازند. مردم اعتراض کردند. اما "بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس"، ده هزار متر مربع زمين از ارتفاعات جنگل های طبيعی و بکر ناهارخوران را در پای مقدسات جمهوری اسلامی ذبح کرد. جنگل ویران شد و "تپه نور الشهدا" جایش گرفت.

اینها فقط دو مورد از یورش به طبیعت و زمینه سازی برای سیل ویرانگری است که امروز به جان و زندگی مردم افتاده است.

**3- دروازه قران شیراز و اتوبان اسلامیش!**

مسیل و بستر رودخانه خشک شده حاشیه دروازه قران شیراز هم از هجوم آقازاده های حکومت اسلامی در امان نماند. آقازاده های "خدمتگزار بسیجی" بساز و بفروش اسلامی به کمک شهرداری و فرمانداری محل در بستر رودخانه جاده کشیدند، اتوبان درست کردند و خانه ساختند. سیل آمد. خانه ها ویران و مردم غرق شدند. آقازاده ها اما نه لباسشان خیس شد که حتما در خارج از کشور مشغولند و نه پولهایشان خیس شد که حتما در بانکهای کانادا و سویس و لندن و غیره امن و امان است.

**همکاری حکومت و سیل!**

پیش بینی و اطلاع رسانی و آماده سازی مردم پیش از وقوع حوادث طبیعی یک رکن مهم کاهش صدمات این حوادث است. پیش بنیی و آماده سازی مردم برای مقابله با بحرانهای طبیعی پیش کش این حکومت که فقط برای سرکوب کارگران و اعتراضات به حق مردم آماده سازی میکند (مانور مقابله با بحرانهای کارگری را به یاد بیاورید)، اما وقتی سیل به سراغ مردم آمد هم این حکومت با تمام توان در مقابل حتی تلاش خود مردم ایستاد.

**1- اطلاع رسانی نکردند و در مقابل اطلاع رسانی مردم هم مانع ایجاد کردند!**

در ایران حوادث طبیعی "ستاد مدیریت بحران" کذایی را فعال نمیکند. برعکس انواع و اقسام ستادهای مدیریریت امنیت را فعال میکند. چرا؟ چون نه جان و زندگی مردم بلکه ثروت میلیاردرها و حکومت پاسدارش اهمیت دارد.

به جای اطلاع رسانی برای مردم، دادستان کل کشور، فرمانده نیروی انتظامی، و وزیر کشور به "عوامل نشر خبر دروغ و کذب که به دنبال بزرگنمایی مشکلات مناطق سیل‌زده هستند"، به "کسانی که به دنبال ایجاد اخلال در امنیت کشور هستند"، به "اخلالگران نظم و امنیت" اعلان جنگ کردند. فرمانده ناجا مردم سیل زده را "از جضور بیش از ۱۰۰۰ نفر نیروی کمکی از شهرستان‌های اطراف و یگان ویژه و ایستگاه‌های بازرسی و کنترل" در منطقه مطلع کرد. یگان ویژه؟ ایستگاههای بازرسی؟ آیا این نشان نمیدهد که این حکومت حتی در جریان بحران طبیعی نگران بحران سیاسی است؟

**2- در مقابل همبستگی مردم با سیل زدگان ایستادند!**

اعلام کردند همه کمکها باید از طریق ارگانهای دولتی از جمله هلال احمر به مردم برسد. صدها حساب باز شده توسط فعالین اجتماعی و نهادها و تشکلهای مردمی مستقل از دولت را بستند تا مردم به مردم کمک نکنند. همبستگی انسانی شهروندان را به مثابه یک خطر امنیتی تلقی کردند و البته حق داشتند. همبستگی انسانی مردم در شرایط نفرت از حکومت میتواند به همبستگی سیاسی علیه خود همین حکومت تبدیل شود.

**3- مانع کمکهای جهانی شدند!**

اسحاق جهانگیری، معاون اول رئیس جمهور در مقابل جهانیان رجز خواند که " کشوری که این همه ثروت دارد دستش را برای کمک دراز نمی‌کند"! و با این کار یک سد رسمی و علنی در مقابل هر گونه کمک از مردم و نهادهای بشردوستانه جهانی ایجاد کرد. او البته نگفت که فعلا اختاپوسی به نام جمهوری اسلامی بر این همه ثروت چنگ انداخت است.

**سیل ویرانگر و جدال ویرانگران!**

در متن سیل ویرانگر، باندهای حکومت ویرانگرتر به جان هم افتاده اند. به جان هم افتاده اند تا خشم مردم از کل همین حکومت را متوجه جناح و باند دیگر بکنند. به جان هم افتاده اند تا مردم به جان کل حکومت نیافتند. و این بسیار جالب است که آنها در این کشمکش درون حکومتی هر تکانی میخورند بیشتر کل حکومتشان غرق میشود.

"قربانی" اولین جلوه این جدال باندها استاندار گلستان بود. وقتی معلوم شد که این استاندار درست موقعی که مردم زیر سیل دست و پا میزدند در تعطیلات خارج از کشور بسر میبرد، از سمتش برکنار شد. واقعا که چه دولت مسئول و نازنینی! اما مثل همیشه که این تبه کاران پرونده همدیگر را زیر بغل دارند، فورا استاندار پته بقیه استانداران و فرمانداران و وکلا را روی آب ریخت: معلوم شد که همزمان با او ۲۰ استاندار و ۱۰۰ نماینده مجلس نیز در خارج کشور همراه فرزندانشان مشغول تفریح هستند.

مهمتر از این شاخ و شانه کشیدنهای سرداران سپاه و دولت روحانی علیه همدیگر است.

سرداران سپاه یقه "سازمان مدیریت بحران" را که ارگانی از دولت روحانی است گرفتند که بحران را خوب مدیریت نکرده است. در مقابل، دار و دسته روحانی هم یقه سرداران سپاه را گرفتند که با پروژه های "غیر عقلایی" شان مثل خط آهن گرگان و اتوبان سازی در مسیل کنار دروازه قران شیراز مسبب این وضعیت هستند.

سرداران سپاه از عملیات انفجاری "نجات بخش" شان در خط آهن و جاده و سیل بندهای استان گلستان سخن گفتند. روحانی هم گفت که سوار بر هلیکوپتر متوجه شده است که این انفجارها فقط آب را از این طرف به آن طرف هدایت کرده است!

این وسط یک مساله از نظر سیاسی مهم است. افشاگری باندهای حکومت اسلامی علیه همدیگر، نه تنها ذره ای اعتماد مردم به افشاگران را جلب نمیکند بلکه انزجار سیاسی از هر دو طرف را بیشتر میکند. افشاگری باندها علیه همدیگر از نظر مردم افشای کل حکومت اسلامی است.

**سیل: مردم و حکومت!**

سیل اخیر اگر از یکطرف همبستگی و احساس همدلی مردم به همدیگر را بالا برد. از طرف دیگر شکاف عمیق و گسترده مردم با حکومت را عمیقتر و گسترده تر کرد.

اظهارات خشمگینانه مردم در آق قلا و گمیشان و دورازه قران و پل دختر و دهها شهر و روستا را در ویدیو کلیپها حتما دیده اید. دیده اید که مردم چگونه و با چه صراحتی و به چه زبان ساده و روشنی در باره خانه سازی در بستر رودخانه ها، کشیدن راه آهن در مقابل مسیر رودخانه ها، سدسازیها و فروش آب سدها به کشاورزان تهیدست، و نقش ویرانگر و مخرب سپاه پاسداران و استانداران و امام جمعه ها و کلا مقامات حکومت اسلامی در ویران کردن جنگلها و درختها و مراتع و زمینها صحبت میکنند.

با این حساب تعجب آور نیست که هر جا مقامات حکومت اسلامی پای گذاشتند با اعتراض و خشم و انزجار مردم مواجه شدند.

امام جمعه شیراز اعتراف میکند که در بازدید از مناطق سیل زده فحش خورده و اعصابش خرد است!

محمد پاکپور فرمانده نیروی زمینی سپاه به پاسدار محمد باقری رئیس ستاد کل نیروهای مسلح گزارش میدهد که: "هیچ مسئول دولتی جرئت نمیکند بره اونجا، چون مردم از دست ما عاصی هستند. من خودم تونستم به یک شکلی از دستشون دربروم!"

سیل زده ها در پل دختر از محسن رضایی دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام با فریاد "بیشرف بیشرف" و پرتاب سنگ و اعلام اینکه همه تون قاچاقچی هستید استقبال میکنند!

احمد خادم، فرمانده قرارگاه کربلای سپاه پاسداران در روستای صحفه آنچنان مورد اعتراض مردم قرار میگیرد که به کمک محافظینش دست از پا درازتر از محل دور میشود!

مردم سیل زده در روستاهای اطراف دشت آزادگان و سوسنگرد خوزستان با سپاه پاسداران درگیر میشوند که میخواهد سیل بندهایی که مردم درست کرده بودند را باز کند، کاری که باعث شد سیل به مزارع مردم سرازیر شود. با کمال تاسف در جریان این درگیری شهروندی به نام عبود ربیعی کشته میشود!

حسن روحانی را یک زن درد کشیده سکه یک پول میکند!

و بالاخره مردی سیل زده در استان لرستان کیفرخواست همه سیل زدگان را در یک ویدیو کلیپ اینچنین بیان میکند:

"چیزی که در رسانه های خبری تبلیغ میکنند همه اش دروغه. ... چیزی به اسم حقیقت از جمهوری اسلامی نمیشه برداشت کرد. یعنی ندارند. ثابت کرده اند در این چهل سال. از جمهوری اسلامی، از سیستم و کابینه جمهوری اسلامی هیچگونه کمکی به این ملت نرسیده و نخواهد رسید".

**همبستگی مردمی!**

ابعاد درد و رنج و زخم سیل ویرانگر را هیچ کس نمیتواند به اندازه خود قربانیان این سیل حس کند اما ابعاد همبستگی خیره کننده و احترام برانگیز هزاران انسان از گوشه و کنار ایران نشان داد که هنوز حتی حکومت اسلامی هم علیرغم تمام رنج و فلاکت و بی خانمانی که بر این مردم تحمیل کرده است، نتوانسته است این انسانها را از انسانیتشان بیگانه کند.

صحنه هایی که مردم سیل زده در همان وضعیت خطرناک با تلفن دستی هاشان منتشر کرده اند نشان میدهد که:

چگونه مردم با دست خالی و همدست و همدل برای ایجا سد در مقابل سیل خروشان تلاش میکنند!

چگونه جوانان گمیشان با دست خالی و با کیسه‌هایی که از منطقه جمع‌آوری کرده‌اند سدی به طول ۴ کیلومتر در مقابل سیل میسازند و البته از انبوه تجهیزات و ماشین‌آلات مهندسی سپاه خبری نیست!

چگونه جوانی از لرستان به کمک مردم سیل زده در خوزستان شتافته است و رو به دوربین فریاد میزند: من لرهستم. عرب نیستم. اما عرب برادر من است و به کمکشان آمده ام!

چگونه جوانان تکه مقوایی بردست میگیرند که رویش نوشته است "مسکن و امکانات مجانی برای سیل زده ها" و به این ترتیب عمق انسانیتشان را در مقابل پولخواران و همه چیزخواران حکومتی نشان میدهند!

چگونه زنی از پل دختر از مردم ایران در خواست کمک میکند اما یادش نمیرود بگوید که "به خاطرما مردم گلستان را فراموش نکنید"!

در میان اینها سیل کمکهای مردمی که از سراسر ایران به سوی گلستان و خوزستان و لرستان روانه میشود فقط و فقط نشان دهنده قدرت و عظمت همبستگی انسانی در مواقعی است که انسانها نیاز به کمک دارند.

در میان این امواج همبستگی انسانی یک چیز غایب است و البته تعجب برانگیز هم نیست. از نیروی انتظامی و سپاه و امکانات عظیم لجستیکی و مهندسی این ارگانها و بالگردها و پهبادها و نیروهای همیشه آماده سرکوبشان یا خبری نیست و یا اگر هم سرو کله شان پیدا میشود قرار است "امنیت" برقرار کنند. و اینها همان نیرویی هستند که کافی است اعتصابی در یک کارخانه رخ دهد تا مثل گله ای از استانداران و فرمانداران و اطلاعاتی ها و امنیتی ها و امام جمعه ها فی الفور در محل حاضر شوند تا "نظم و امنیت" برقرار کنند.

**سیل زدگان را نباید به امان حکومت اسلامی رها کرد!**

سیل روزی فروکش خواهد کرد. اما آثار و عواقبش سالها و سالها با مردم خواهد ماند.

سیل فروکش خواهد کرد اما صدها هزار خانواده ای که همه امکانات زندگیشان، محصول یک عمر تلاش و حتی کارشان را از دست داده اند و کوچکترین امکان مالی برای بازسازی زندگیشان را ندارند، هزاران کودکی که برای همیشه با کابوس دهشتناک سیل بسر خواهند برد، صدها هزار کشاورزی که حتی نانی برای سیر کردن خود پیدا نخواهند کرد، هزاران زخمی و معلول که از توان مالی و امکانات درمانی برای بازیافتن سلامتیشان محرومند برجای خواهند ماند. به این باید شبح هولناک بیماریهای کشنده ای مثل حصبه و وبا و انواع بیماریهای عفونی و غیره را اضافه کرد که صاحبنظران و متخصصین این عرصه دائم در باره شان هشدار میدهند.

در این میان حکومت اسلامی را همه میشناسیم. میدانیم که به محض فروکش کردن سیل از یکطرف مردم سیل زده را با وعده های سر خرمن سرگردان نگه خواهد داشت و از طرف دیگر بساط رقابت میان آقازاده ها برای بالا کشیدن پول و ثروت مملکت به نام ساخت و ساز در منطقه راه خواهد انداخت.

مردم در سطوح مختلف – نه فقط سیل زده ها که مدتها در شوک خواهند بود – بلکه همه انسانهای دردمندی که در سراسر ایران قلبشان برای همنوعانشان در منطقه می طپد، همچنانکه شروع کرده اند باید متشکل شدن در اشکال مختلف با هدف کمک به بازماندگان زلزله را ادامه دهند.

کمکهای مردمی اما کافی نیست. تشکلها و شوراهای همیاری در سطح سراسری در همه جا همچنان باید شکل بگیرند، کمکها را ادامه دهند اما علاوه بر کمکها باید به کمک سیل زده های خود منطقه خسارات واقعی در شهرها و روستاها، خسارات واقعی خانواده ها را برآورد کنند و با اطلاع رسانی شفاف اجازه ندهند حکومت اسلامی با وعده وامهای چندرغاز مردم را سر بدواند.

یک کار مهم این تشکلها و نهادها و تلاشها این است که با خواستهای بسیار صریح و روشن حکومت اسلامی را زیر فشار بگذارند و مجبورش کنند بخش مهم و کافی از ثروت و امکانات کشور را که رویش لم داده است، فقط و فقط به بازماندگان سیل و تامین زندگیشان اختصاص دهد.

تردیدی در این نیست که حکومت اسلامی را فقط و فقط به زور همبستگی و اعتراض سراسری میتوان مجبور کرد سر کیسه های پر از ثروت چپاول شده مردم را برای تامین نیازهای مردم سیل زده شل کند.

تردیدی در این نیست که در نتیجه این سیل ویرانگر، شکاف عمیق و گسترده میان مردم ستمدیده و میلیونها کارگر و اکثریت عظیم تهیدستان و محرومین جامعه با طبقه حاکم و حکومت اسلامیشان عمیقتر و گسترده تر خواهد شد. تلاش کنیم قبل از سیلهای ویرانگر دیگر، مافیای حاکم اسلامی را با سیل خروشان قیام خودمان برای همیشه غرق کنیم. \*